

مديريت، عدالت، مهدويت

سيد مصمصم الدين قوامي

اشاره:

مهدی به عنوان مظهر انسان کامل، عالی‌ترین نوع مدیریت را عرضه می‌کند. نقطه ثقل مدیریت کامله آن حضرت (عدالت تمام عیار) است. عدالت معانی متنوعی دارد. (میان‌ه روی در امور) مساوات و عدم تبعیض، عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره، نهادن هر چیزی در جای خود، دادن حق هر ذیحق، برابری اجتماعی (قسط) رعایت مفسد و مصالح در قانون‌گذاری، نقطه تعادل تمامی فضائل، تناسب و توازن و... و نیز وظائف مدیریت عبارتند از (سازماندهی) برنامه ریزی، نظارت رهبری و انگیزش.

در این مقاله سعی شده است برای تبیین مدل (مدیریت عادلانه مهدوی) وظایف پنج‌گانه مدیریت را با احتساب مفاهیم متنوع عدالت، ترکیب و تحلیل شود و اثبات گردد که در همه ابعاد فردی و اجتماعی، اخلاقی و سازمانی، درونی و بیرونی، اقتصادی و سیاسی، مادی و معنوی، مدیریت آن حضرت عدالت محور بوده است، معیارهایی مانند شایسته‌سالاری، فراوانی اقتصادی، امنیت، آبادانی، معنویت، پیشرفت، خدمت، عدم ظلم و ستم، بسط علم و آگاهی، رشد و تعالی همه جانبه توسعه چند بعدی و... در سایه ترکیب عالی عدالت و مدیریت در حکومت آن حضرت پدید می‌آید.

در این نوشتار از باب تیمن به چهل حدیث از احادیث مدیریتی آن حضرت استناد شده است که خود یک نوع از اربعینات محسوب می‌شود. به امید تحقق زود هنگام آن مدیریت و آن عدالت.

طبق وعده‌های وحیانی و معصومانه، مدینه فاضله مهدوی سرانجام تشکیل خواهد شد و انتظار بشریت به پایان می‌رسد. البته «مدینه المهدی» به نوعی تکرار یا تداوم «مدینه النبی» است. پس مدینه فاضله مصداقی در گذشته و آینده دارد. برای اطلاع از «مدینه در پیش» می‌توان نگاهی به «مدینه در پس» انداخت؛ نسخه برابر اصل است؛ دو بانی و معمار هم نام و همراه هم کنیه، با یک عمامه و زره و شمشیر و اسب و قرآن و برنامه، یکی خاتم الانبیا و دیگری خاتم الاوصیا، یکی صاحب «ولایة کلیة بالاصالة» و دیگری «صاحب ولایة کلیة بالتبعیة»، یکی «مشبه» و دیگری «مشبه به»، با وجود شباهت فراوان که در اخبار آمده است. تنها تفاوت در «کمیت» است؛ در «کیفیت» همه چیز مثل و مانند هم است. تفاوت در زمان و مکان و اندازه است. درست مثل عکس که بزرگ می‌شود. کیفیت یک عکس (۳۰ در ۴۰)

همان کیفیت عکس (۳ در ۴) است، بزرگ شده است با رعایت همه اصول و قواعد و غیره. اگر بخواهی بدانی مهدی (ع) چه می کند ببین نبی (ص) چه کرده است.

اما برای اطلاع از مدینه آینده، علاوه بر نمونه تاریخی نبوی، انبوهی از اطلاعات وحیانی و معصوم هم به شکل پیش گویی و پیش بینی، در اختیار منتظران است. از خلال این اخبار آسمانی، چشم انداز مدینه فاصله مهدی روشن می شود.

بنابراین شبکه اطلاع رسانی وحی و عصمت، آنچه را شوق انگیز و امید آفرین است در دسترس تشنگان عدالت مهدوی قرار داده است. اطلاع از آن هندسه عدالت و امنیت و سلامت و رفاه و علم، بشر را از وضع موجود بیزار و باشتاب به آن افق موافق سوق و شوق می دهد. مگر نه این که شب عاشورا، سیدالشهدا (ع) با انگشت ولوی پرده از غیب برداشت و مساکن طیبه هریک از یاران را نشان داد و آن شد که فردا در میدان کربلا هیچ کس را هوای ماندن در دنیا نبود و مسابقه شهادت و پرواز همه را گرفته بود.

آیا می توان از «مدیریت مهدوی» و از «عدالت مهدوی» به گونه ای پرده برداشت که تندیس مقدس آن مدینه «امن و سلام» و «عدل و عقل» و ... بی حجاب رخ بنماید و همگان را واله و حیران نماید؟ امری صعب و مشکل است. البته در فاصله دو مدینه، غدیر و عاشورا و انقلاب اسلامی را داریم که هر کدام رنگی و آهنگی از مدینه المهدی را دارند.

در این نوشتار، «مدیریت» و «عدالت» واژگان اساسی هستند که ارتباطشان با هم و سپس با مهدویت مورد بحث است. گویا «مدیریت عادلانه» را دنبال می کنیم و شاید «عنصر عدالت در مدیریت مهدوی» را پی می جوئیم.

اما چرا عدالت؟ مگر نه اینکه گلوآژه و بیت الغزل قیام آن حضرت عدالت است؟ منتظران مگر ترانه و ترنم نمی کنند که (جهان در انتظار عدالت و عدالت در انتظار مهدی) آیا مولای ما را «عدل منتظر» یا «عدل مشتهر» نمی نامند؟ معصوم چه فرموده و سروده است؟ آیا غیر از اینکه (با او زمین پر از عدل و داد می شود، بعد از آنکه پر از ظلم و جور بود)؟ آری، «عدالت» اصلی ترین گمشده بشریت و اکسیر اعظم و کبریت احمر است. با تحقق آن، امنیت و سلامت و علم و تربیت و همه نیازهای تاریخی دیرینه بشر تأمین می گردد.

عدالت چیست؟

دادن حق هر ذی حق؛

نهادن هر چیزی در جای خود؛

موزون بودن (تعادل و تناسب و توازن)؛

میانه روی بین افراط و تفریط (اعتدال)؛

تساوی و نفی هر گونه تبعیض (تفاوت قائل نشدن بین افراد)؛
 رعایت استحقاق در افاضه وجود (عدل در تکوین)؛
 عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره (عدالت فردی و فقهی)؛
 برابری اجتماعی (قسط، عدالت اجتماعی و قضایی و سیاسی و اقتصادی)؛
 رعایت مفسد و مصالح در قانون گذاری (عدل در تشریح)؛
 نقطه تعادل و تلاقی تمام فضائل (مثلا عفت، شجاعت و حکمت که اوساط اخلاقی هستند،
 قدر جامعی به نام عدالت دارند) (نظریه عدالت ارسطو).

این منظومه‌ای از عدالت آفاقی و انفسی تکوینی و تشریحی، فردی و اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی است. نقل جمع‌بندی استاد شهید مطهری در مفهوم عدالت جالب است^۱ (عدالت آنجا که به توحید یا معاد مربوط می‌شود، به هستی و آفرینش شکل خاص می‌دهد و نوعی جهان بینی است. آنجا که به نبوت و تشریح و قانون مربوط می‌شود، یک مقیاس و معیار قانون‌شناسی است... آنجا که به امامت و رهبری مربوط می‌شود، یک شایستگی است. آنجا که پای اخلاق به میان می‌آید، آرمانی انسانی است و آنجا که به اجتماع کشید، یک مسئولیت است).

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است، معصوم و امامش هم عادل است، قاضی‌اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه‌اش هم باید عادل باشد. از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر زمامدار باید عادل باشد، ولات آن هم باید عادل باشند.^۲

بنابراین امام عادل امامی است که حق هر ذی‌حقی را می‌دهد یا پامال نمی‌کند. هر فرد یا چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. از لحاظ رفتاری و منش و روش متوازن و متعادل است. از لحاظ نفسانی، گرد گناه نمی‌گردد. فضایل را در خویش نهادینه کرده است. در اجتماع، اقامه قسط و برابری قضایی سیاسی اجتماعی و اقتصادی می‌کند. مساوات ایجاد می‌کند. استحقاق‌ها را رعایت می‌نماید. در قانون گذاری رعایت مفسد و مصالح را می‌کند و به عبارتی، او هم قاضی عدلی است، هم زمامدار عادل و هم قانون‌گذار عادل. او عدالت را از خداوند اقتباس کرده است

۱. مرتضی مطهری، عدل الهی.

۲. صحیفه نور ج ۲، ص ۲۷۳.

که در اداره هستی و انسان به عدالت و رحمت تکیه دارد و همگان را به عدل امر می‌کند.
«همانا خداوند به عدالت و احسان امر می‌کند»^۱.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از معصیت خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید با خبر است»^۲.

از آنچه تا به حال گفته شد (عدالت در بینش، عدالت در روش و عدالت در ارزش)، نتیجه می‌شود در (اخلاق و احکام و عقائد)، عدالت شاه نکته است، روح و جان است. بیهوده نیست که گفته شده «بالعدل قامت السموات و الارض»^۳ و گزاف نیست که شیعه را عدلیه خوانده‌اند. گویا عدالت ممتاز کننده‌ترین عنصر اندیشه شیعی از غیر آن است.

علل و موجبات عدل

موجبات عدل را می‌توان به سه عامل تقسیم کرد: بودن قوانین و مقررات عادلانه، اجرا و تنفیذ آنها علی السواء؛ شعور مردم به حقوق خود که «لا یدرک الحق الا بالجد»^۴.

شاید علت اینکه در حکومت علوی که مظهر عدالت در رأس آن بود، امام در محراب عبادت از شدت عدالت به شهادت رسید و مردم نیز نتوانستند او را تحمل کنند، فقدان عامل سوم بود؛ یعنی عدم درک صحیح مردم نسبت به حقوق خود؛ و الا از لحاظ قانون عادلانه و مجری عادل کمبودی نبود. اشکال در ضلع سوم مثلث عدالت بوده است و تا این سه ضلع تکمیل نشود، عدالت در حکومت و اجتماع تحقق نمی‌یابد و شاید علت تاخیر و طولانی ظهور حکومت و مدیریت عادلانه این باشد که شعور مردم و آمادگی ادراکی آنها بالا رود و هم‌سنگ دو ضلع دیگر شود.

و اما «اجرای عدالت» که ماحصل «مثلث عدالت» است، نیاز به مدیریت دارد؛ آن هم مدیریتی در سطح جهان با هر تنوع و تکثری که دارد.

مدیریت چیست؟

رهبری و مدیریت در عرف امروز با همه توسعه و شمولی که پیدا کرده است، اگر

۱. نحل، ۹۰.

۲. مائده، ۸.

۳. عوالی الالائی، ج ۴، ص ۱۳۲.

۴. یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۶، (نهج البلاغه، خطبه ۲۹).

بخواهیم مرادف و همانندی برای آنها در مصطلحات اسلامی پیدا کنیم، باید بگوییم ارشاد و رشد و یا هدایت و رشد. قدرت رهبری همان قدرت بر هدایت و ارشاد است در اصطلاحات اسلامی.^۱

رشد عبارت است از شایستگی و لیاقت برای نگهداری و استفاده و بهره‌برداری صحیح از وسائل و سرمایه‌های حیات.^۲

با توجه به اینکه امامت مرادف رهبری است (در قیاس با نبوت که مرادف راهنمایی است)، مدیریت یک امام همان قدرت بر ارشاد و هدایت و توانایی و شایستگی نگهداری و استفاده و بهره‌برداری صحیح از وسائل و سرمایه‌های حیات خواهد بود.

وظایف مدیریت

با همه اختلافاتی که در میان صاحبان نظریه مدیریت وجود دارد، می‌توان پنج وظیفه را که بر آن نوعی اتفاق است بشماریم: سازماندهی، برنامه‌ریزی، نظارت، هماهنگی (رهبری) و انگیزش.^۳

انواع مدیریت

مدیریت بحران، مدیریت توسعه، مدیریت منابع انسانی و مدیریت بهره‌برداری، از عمده‌ترین اقسام مدیریت است که در این تحقیق مورد اهتمام خواهد بود. چراکه گنجایش یک مقاله بیش از این اجازه نمی‌دهد.

مدیریت عادلانه

بعد از آشنایی اجمالی با مفاهیم «عدالت» و «مدیریت»، اکنون به مفاد ترکیبی آن دو می‌پردازیم. مراد چیست؟ باید گفت اگر بخواهیم مدیریت را نظر به همه افراد و انواع آن و به تفصیل بحث کنیم امکان ندارد. لذا از زاویه عدالت به مدیریت می‌نگریم و درحقیقت، از «اجرای عدالت» بحث می‌کنیم.

مدیریت عادلانه مهدوی



۱. اثری از نگارنده، مدیریت از نظر کتاب و سنت، ص ۹۰.

۲. همان.

۳. همان ص ۳۴۰.

این محل نزاع است. امام مهدی (عج) امامی عادل است؛ یعنی از گناه به دور است (به کمک عصمت)؛ انسانی کامل است؛ در کسب فضائل و رفض رذایل، در درون خویش به تعادل رسیده است. حتی از لحاظ جسمی و ظاهری متعادل و زیبا است. تمام خصوصیات جسمی و روحی او در اخبار به ما رسیده است.^۱ همه حاکی از یک اعتدال و جذابیت است. بینش او مبتنی بر توحید و عدل است. اراده او اعمال عدالت است. قانونی که در اختیار دارد قانونی عادلانه است.^۲ همان قانون محمدی علوی است بدون کم و کاست. مردمی که در زمان او هستند عدالت خواه و پشتیبان عدالت و آماده جهاد و فداکاری برای تحقق آن هستند.^۳ موانع راه عدالت یا زدوده شده و یا به دست قدرت او برچیده می شوند و توان مقابله ندارند.^۴ مقتضی عدالت موجود و مانع مفقود است. بحث در نحوه تحقق عدالت و مدیریت عدالت است. چگونه این امام عادل، قانون عادلانه را برای مردم عدالت خواه، پیاده می کند؟ به هر ذیحقی حق می دهد، هر چیز را در جای خود می گذارد، مساوات و توازن در جامعه پیاده می کند و ... این مقصود مقاله است. برای تنظیم این مطلب براساس وظایف یک مدیر سیر می کنیم و با توجه به اخبار در دست، هر وظیفه ناظر به عدالت را به بحث می گذاریم.

سازماندهی

سازمان عبارت است از گروهی متشکل از دو یا چند تن که در محیطی با ساختار منظم و از پیش تعیین شده برای اهداف گروهی با یکدیگر همکاری می کنند. هنگامی که مدیران منابع مادر را با تلاش افراد (دست کم دو نفر یا بیشتر) به منظور رسیدن به هدفها ترکیب می کنند عمل سازماندهی انجام می شود.^۵

در ذیل عنوان سازماندهی، مباحثی از قبیل ساختار سازمانی، اهداف ساختاری تقسیم کار، اختیار و مسئولیت و نیز بحث وحدت فرماندهی و بحث قدرت مطرح می شود که در این مقاله، به فراخور، اشاره ای به آنها خواهد شد.

۱- سازمان آن حضرت طبق تعریف فوق، اولین عنصر سازمان افراد آن هستند.

وقتی که قائم آل محمد (ص) ظهور کند خداوند او را با ملائکه مسومین مردفین و

۱. رک: فصلنامه علمی تخصصی انتظار، ش ۵، ص ۱۵۱، مقاله جمال یار، جواد جعفری (به شکل دقیق و ریز تمام ویژگی های مهدی (عج) در این مقاله تصویر شده است).

۲. همان، ص ۲۵۱.

۳. رجوع شود به احادیث ۱۰ - ۱۴ در همین مقاله.

۴. حدیث شماره ۴ این مقاله.

۵. طاهره فیضی، مبانی سازمان مدیریت، ص ۱۰۳، (به نقل از مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۳۷۳).

منزلین و کروبین در حالی که جبرئیل جلو، میکائیل از طرف راست و اسرافیل در طرف چپ اوست یاری می‌فرماید رعب آن حضرت به اندازه یک ماه از طرف چپ می‌رود و ملائکه مقربین، در پیش روی آن حضرت هستند.^۱

۲- اصحاب قائم سیصد و سیزده نفر از فرزندان عجم می‌باشند. بعضی از ایشان را در روز با آشنایی با نام خود و نام پدر و نسب و شمائل در ابر سوار می‌کنند و به مکه می‌برند و بعضی در رختخواب خود خوابیده، نابهنگام در مکه دیده می‌شوند، بدون میعاد و سابقه قرار داد.^۲

۳- اولین کسی که با قائم (ع) بیعت می‌کند جبرئیل است و سپس فرشتگان و نجبای جن و آن‌گاه نزدیکان و یاران آن حضرت.^۳

۴- مفضل از امام صادق (ع) پرسید: آقای من، آیا فرشتگان و جنیان هنگام ظهور مهدی برای مردم ظاهر می‌شوند؟ امام فرمود به خدا سوگند آری و با مردم گفتگو خواهند کرد، آنچنان که با هم سخن می‌گویند. مفضل گفت: آیا فرشتگان همراه با مهدی (ع) حرکت خواهند کرد؟ امام فرمود: آری، مابین کوفه و نجف فرود می‌آیند و تعدادشان چهل و شش هزار فرشته و شش هزار جن است.^۴

۵- وقتی قائم ما اهل بیت قیام کند، به محله‌ای از کوفه می‌رود، به پا می‌ایستد و با دست مبارکش به جایی اشاره می‌کند که بکنید آنجا را. حفر می‌نمایند. دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود از آن جا خارج می‌کنند که به دوازده هزار از عجم و موالی (ایرانیان) می‌پوشانند.^۵

۶- شیعیان ما در زمان سلطنت قائم (ع) بزرگان اهل زمین و حکام بر آنها خواهند بود به هر مردی از آنها از جانب خداوند قوت چهل مرد داده می‌شود.

حضرت ابوجعفر (ع) فرمود: شیعیان، قبل از ظهور، مرعوب دشمنان ما هستند؛ اما وقتی امر ما واقع و مهدی آل محمد (ع) ظاهر شد، هریک از شیعیان ما از شیر با جرأت‌تر و از نیزه برنده‌تر می‌شوند، دشمنان ما را لگدکوب می‌کنند و آنها را با دست می‌کشند.^۶

۱. بحارالانوار ج ۵۳، ص ۲۴۳ و ۲۴۸.

۲. بحارالانوار ج ۵۳، ص ۳۶۹.

۳. الزام الناصب، ص ۳۱۶؛ ارشاد، ص ۲۴۳؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸.

۴. نجم الثاقب، ص ۱۵۳.

۵. الاختصاص، ص ۳۳۴؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۸۷.

۶. همان، ص ۸؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۷۲؛ منتخب الاثر، ص ۶۱۲.

۷- گویا قائم را بر فراز تپه‌ای در کوفه می‌بینم که زره رسول خدا (ص) را پوشیده است و سوار بر اسبی سیاه است و چنان جنبش ایجاد می‌کند که ساکنان هر سرزمین او را در میان خود می‌بینند. پرچم رسول الله را به اهتزاز درمی‌آورد و هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند، جز آن که دلش همچون آهن سخت خواهد شد و قدرت چهل مرد را پیدا خواهد کرد. سیزده هزار و سیصد و سیزده فرشته همراه او (برای یاریش) خواهند بود؛ فرشتگانی که با نوح در کشتی بودند و با ابراهیم هنگامی که در آتش انداخته شد و نیز فرشتگانی که هنگام شکافته شدن دریا با موسی بودند و نیز آنها که با عیسی هنگام عروج به آسمان بودند و چهارهزار فرشته‌ای که روز عاشورا به یاری حسین شتافتند، اما حسین (ع) به آنها اجازه جنگیدن نداد. تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم (عج) هستند.^۱

۸- چون قائم (عج) ظهور کند و داخل کوفه شود، خداوند از گورستان وادی السلام هفتاد هزار صدیق را زنده می‌کند که همگی از اصحاب و انصار او می‌شوند. شیخ مفید (ره) نیز در کتاب ارشاد روایت کرده است که بیست و هفت نفر از قوم موسی و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه و مقداد و مالک اشتر از انصار آن حضرت خواهند بود و فرمانروای کشورها می‌شوند.^۲

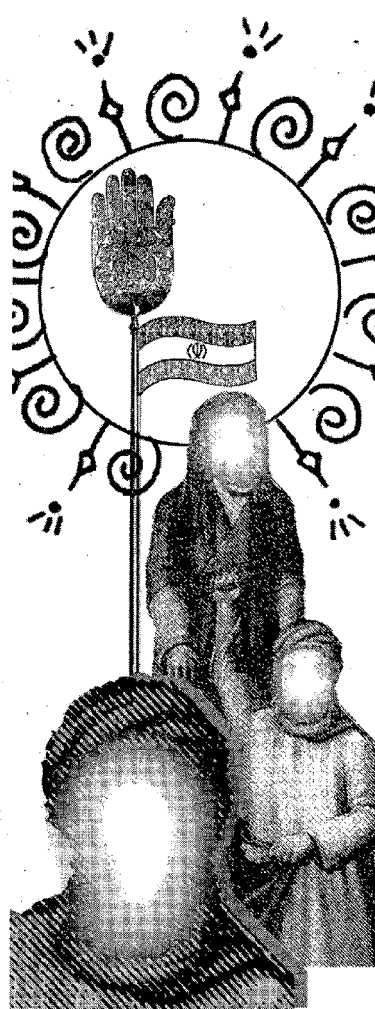
۱. کامل‌الزیارات ص ۱۱۹-۱۲۰؛ نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۹؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ اثبات‌الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۵.
 ۲. نجم‌التاقب، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۹- هرگاه قائم (عج) قیام کند، خداوند به فرشتگان فرمان می‌دهد که بر مؤمنین سلام کنند و با آنان در نشست‌هایشان هم‌نشین شوند و هرگاه که یکی از مؤمنان نیاز و درخواستی [از حضرت] داشته باشد، قائم (عج) فرشته‌ای را به سراغ او می‌فرستد تا او را نزد قائم ببرد. سپس نیازش برآورده می‌شود و مجدداً به محل کار خود برگردانده می‌شود. برخی مؤمنان در ابرها سیر می‌کنند و برخی‌شان با فرشتگان می‌پرنند و برخی نیز با فرشتگان راه می‌روند؛ بعضی از مؤمنان از فرشتگان سبقت می‌گیرند و بعضی نیز مورد مراجعه فرشتگان برای تحاکم و قضاوت قرار می‌گیرند. در آن زمان، مؤمن نزد خداوند از فرشتگان گرامی‌تر است و قائم (عج) بعضی از مؤمنان را حاکم و قاضی بین صدهزار فرشته قرار می‌دهد.^۱

۱۰- یاران مهدی، مردانی هستند فولاددل که همه وجودشان یقین به خدا است. مردانی سخت‌تر از صخره‌ها که اگر به کوه‌ها روی آورند، آنها را از جای برمی‌کنند، درفش پیروزمند آنها به هر شهر و پایتختی روی می‌نهد، آنها را به سقوط وادارد. گویی آنان مردان عقابان تیزچنگند که بر مرکب‌ها سوار شده‌اند. این شیرمردان پیروز و عقابان تیزچنگ برای تبرک و فرخندگی، دست خویش به زین اسب امام می‌کشند و بدین سان، تبرک می‌جویند. آنان او را در میان می‌گیرند و جان خویش را در جنگ‌ها پناه او می‌سازند و هرچه اشاره کند با جان و دل انجام می‌دهند.^۲

این اخبار از سازمان آن حضرت، یاران حضرتش و سازماندهی ویژه‌ای که در زمان ظهور تحقق می‌یابد خبر می‌دهند که نکات ذیل (مخصوصاً در رابطه با عدالت) از آن قابل برداشت است:

الف - یاران آن حضرت از همه ادیان و اقوام هستند: یهود، نصاری، اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه و مقداد و مالک اشتر (طبق حدیث ۸) و نیز فرشتگان، (مانند جبرئیل، میکائیل، اسرافیل) (حدیث ۴ و ۹) جنیان (حدیث ۴) ایرانیان (حدیث ۵) عجم (حدیث ۲) که شامل هر نژاد غیر



۱. بیان الائمه، ص ۲۸۶، (به نقل از دلائل الامامة).

۲. سید بن طاووس، الملاحم والفتن، چاپ نجف، ص ۵۲.

عرب می‌شود و بسیاری از آنها پرونده و نام و نشان دارند (حدیث ۲) و خیلی جاها و ملیت‌ها و اقوام دیگر که از احادیث دیگر قابل برداشت است. این امر حاکی از یک نوع عدالت در سازماندهی است که آن حضرت نیروهای خویش را صرفاً از یک نژاد و قوم خاص پذیرش و گزینش نمی‌کند و به شایستگی توجه می‌کند و شایسته‌سالاری را اعمال می‌کند و «شایسته‌سالاری» معیاری مبتنی بر عدالت است که معیارهای خویشاوندگرایی و رابطه‌گرایی و امثال ذلک را در گزینش کنار می‌زند.

سید محمد صدر در فصلی از کتاب ارزنده تاریخ ما بعد الظهور به بیان خصال یاران حضرت مهدی (ع) پرداخته است و تحلیلی در ذیل اخبار ارائه داده است که اخبار وارده را در بخش‌های ایمان، شجاعت، عبادت و میزان فرمانبرداری تقسیم کرده و نشان داده است که هیچ تبعیض و ترجیح بلا مرجح در سازمان انسانی آن حضرت، چه سازمان اداری، چه نظامی و ... وجود ندارد. ما در این مقاله به این اخبار در بحث انگیزش خواهیم پرداخت. بنابراین عدالت در سازماندهی و گزینش یاران اولین قاعده استخراج شده این مقال خواهد بود.

ب- اینکه در حدیث ۶ آمده است: «شیعیان ما در زمان سلطنت قائم بزرگان اهل زمین و حکام آنها خواهند بود» منافاتی با شایسته‌سالاری ندارد و دال بر تبعیض و ترجیح بی‌مورد نیست؛ چراکه اولاً شیعیان شامل تمامی نژادها و قومیت‌ها و کشورها و زبان‌ها خواهد شد و منحصر به گروهی خاص نیستند.

ثانیاً شیعیان کابینه اصلی و نیروهای کلیدی را تشکیل می‌دهند و از همه ساکنان ارض استفاده‌های به جای خود در سازمان حضرت مهدی (عج) خواهد شد.

ثالثاً علت دادن کلیدها و پست‌های اصلی به شیعیان، حقانیت و امتیازات معنوی و سابقه مبارزاتی (عقیدتی) آنها است. آنها منتظران واقعی بوده‌اند که در زمان طولانی غیبت کبری، به انتظار فرج به عنوان افضل اعمال دل مشغول بوده‌اند و با ادعیه، صدقه، نماز، آمادگی و غیر ذلک ترجیحاتی را به دست آورده‌اند که دیگر یاران مهدی ممکن است چنین ویژگی نداشته باشند. شیعیان حکم حواریون و خصیصین را دارند و در حقیقت، قاعده اصلی و کانون مرکزی سازمان حضرت هستند. ترجیح آنان با مرجح و عین عدالت است، لذا خداوند در قرآن می‌فرماید:

کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند یکسان نیستند. آنها بلند مقام‌تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق کردند و جنگیدند و خداوند به هر دو وعده نیک داد. و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.^۱

عدم تساوی مجاهدان قبل از فتح (و ظهور) و بعد از آن، منافات با عدالت ندارد؛ بلکه تساوی آنان ضد عدالت است. مگر نه این که یکی از مبانی اهل عدالت «اعطاء کل ذی حق حقه» می باشد؟ آیا حق سبق و حق سابقه در جهاد، حق نیست؟ این را حق ترجیح نام می نهیم. در حکومت نبوی و علوی هم به صاحبان سابقه امتیازات بیش تری می دادند. آنچه به عدالت در عین عدم تساوی اشعار دارد، تأکید قرآن بر این است که هر دو گروه با سابقه و بی سابقه از طرف خداوند وعده نیک دریافت می دارند؛ هر چند در روایتی آمده که ایمان بعد از فتح نفعی ندارد.^۲

ج - در روایات ما آمده که یاران مهدی «جان خویش را در جنگ ها پناه او می سازند». این هم منافاتی با عدالت ندارد و ظلم و تبعیض محسوب نمی شود. او خود طالب و مایل به حفظ جان خویش نیست؛ شمشیر او علامت جهاد و فداکاری اوست. این یاران مهدی هستند که حفظ او را حفظ اسلام و نظام می دانند. چگونه می شود وجود مقدسی را که همواره در انتظارش بوده اند به دم تیغ بسپارند. سید محمد صدر معتقد است:

«شاید مقصود روایت این باشد که حفظ جان امام (ع) فعالیت و تلاشی است مستقل که یاران ایشان انجام می دهند» تا به جهت استفاده از علوم و تعالیم و دستوراتش برگردد وجود او حلقه زده و علاوه بر این، با ایثار و اخلاص تمام جان او را نیز حفظ نمایند... چون امام را مظهر تمام عیار عدل و کمال می بینند. بدین سبب، در مقابل او، خضوع کامل دارند: «هم اطوع له من الامة لسیدها».^۳

د - در حدیث ۱۰، برتری مؤمنان بر فرشتگان در سازمان مهدی (عج) طرح شده است و فرشتگان در خدمت یاران او هستند. این نیز بیانگر نوعی عدالت است؛ چرا که فرشتگان که گناه نمی کنند، قدرت آن را ندارند. ولی یاران مهدی (ع) که با وجود قدرت بر گناه و عصیان، این گونه مطیع و معصوم هستند، قطعاً برترند. هم چنین در آغاز خلقت هم مسجود فرشتگان بوده اند و بعد از طی سیکل طولانی، حق به حق دار می رسد و فرشتگان کارگزاران مؤمنان می شوند، همان گونه که در خدمت اهل عصمت و طهارت بودند. آنان در خدمت رسول خدا (ص) بودند و در جنگ های متعدد (حدیث ۷) و در خدمت نوح و ابراهیم و عیسی بودند و در خدمت حضرت حسین بن علی بودند (حدیث ۷) ولی حسین نپذیرفت. این جلوه از عدالت است آن هم

۱. رک: مدیریت از منظر کتاب و سنت ص ۱۸۱ - ۱۸۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۸۵، (به نقل از ینابیع المودة).

۳. منتخب الاثر، ص ۵۸۵، (به نقل از ینابیع المودة).

به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود که فرشتگان جای واقعی شان خدمت به مؤمنان است. این معنای از عدالت در کلیه گزینش‌های حضرت مهدی (عج) مطرح است که نمونه‌ای از آن را در گزینش شیعیان به بحث گذاشتیم که پست‌های کلیدی را اشغال می‌کنند.

هم یکی دیگر از جلوه‌های عدالت در حدیث ۸ ذکر شده که «خداوند از گورستان وادی السلام هفتاد هزار صدیق را زنده می‌کند که همگی از اصحاب و انصار او می‌شوند». اگر از وادی السلام الغاء خصوصیت شود، مردگانی که هر صبح مخلصانه در دعای عهد ترنم کرده‌اند که:

«گر مرگ بین من و مولایم فاصله شد، همان مرگی که برای بندگان حتمی و آمدنی است پس مرا از قبرم خارج کن تا با زره‌ای مثل کفن و شمشیر و نیزه آماده و آخته در دست به آقایم لبیک بگویم. هر جا باشم (دور و نزدیک)».

این دعا که از حنجره‌های پاک منتظران بلند می‌شده است، مورد استجابت قرار می‌گیرد و در رکاب او قرار می‌گیرند و این هم عدالت است که به معنای مساوات است و عدم تبعیض و فرق‌گذاری چه فرق است بین مردگان و زندگان در بهره‌وری از فیض لبیک به معصوم؟ چگونه است آنان که نه در کربلا بودند تا شهید شوند و نه در زمان ظهور زنده بودند تا در رکاب حضرت باشند با آن همه عشق از فیض جهاد در محضر امام (عج) محروم باشند. عدالت اقتضا می‌کند که آنها هم با حضرت باشند. این حدیث برای منتظران بسیار انگیزاننده است که بدانند خداوند اجر آنها را ضایع نمی‌کند.

و- یکی دیگر از جلوه‌های عدالت حضور زنان در سازمان آن حضرت است که از ۳۱۳ نفر، در نقل‌های مختلف، ۱۳ نفر، ۵۰ نفر و ... هستند. به هر حال، این زنان در جنگ هم شرکت دارند و مسئولیت‌هایی را هم علی‌القاعده بر دوش دارند البته به تناسب شأن و توان آنها... به هر حال زنانی که در احد بوده‌اند (مثل نسبه) و پیامبر حضورشان را تأیید کرده است و در کربلا بوده‌اند (مثل زینب و ام کلثوم فرزندان علی (ع)) به همین مناسبت، در رکاب آن حضرت هستند و تبعیض در این زمینه نیست. اعمال این عدالت در سازماندهی حضرت به معنای اعمال مساوات و برابری اجتماعی است.

اوصاف کلی یاران مهدی

روایاتی که اوصاف یاران حضرت مهدی (عج) را از نظر ایمان و اطاعت و شجاعت بر می‌شمارند بسیارند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۱۱- قندوزی در کتاب ینابیع المودة^۱ از ابی بصیر نقل می کند که امام صادق (ع) فرمودند:

گفتار حضرت لوط (ع) درباره قومش که فرمود: ای کاش مرا قوتی یا پناهگاهی امن و استوار می بود که از شر شما محفوظ می ماندم^۲، آرزویی است بر قدرت قائم ما (مهدی (ع)) و استواری یارانش که همان ارکان محکم می باشند. هرکدام از مردان و یاران مهدی (عج) دارای قدرت چهل مرد هستند. دل های آنها از پاره های فولاد محکم تر است. اگر بر کوهها بگذرند، کوهها در هم فرومی ریزند. دست از شمشیرهای خود در پیکار با دشمنان دین بازمی گیرند تا آنکه خدای تعالی راضی شود.

۱۲- سیدبن طاووس از ابن زرین غافقی نقل می کند که حضرت علی (ع) فرمودند:

یاران مهدی مردانی هستند فولاددل که همه وجودشان یقین به خداست و مردانی سخت تر از صخره ها که اگر به کوه ها روی آرند، آنها را از جای برکنند. درفش پیروزمند آنان به هر شهر و پایتختی روی آرند، آنجا را به سقوط وادار سازند، گوئی آن مردان عقابان تیزچنگند که بر مرکب ها سوار شده اند، این شیرمردان پیروز و عقابان تیزچنگ برای تبرک و فرخندگی دست خویش را به زین اسب امام می کشند و بدین سان تبرک می جویند. آنان او را در میان می گیرند، جان خویش را در جنگ ها پناه او می سازند و هرچه او اشاره کند، با جان و دل انجام می دهند. برخی از آنان شب هنگام نخوابند و زمزمه قرآن و مناجاتشان هم چون زنبوران عسل فضا را آکنده سازد، تا بامداد به عبادت خدای بایستند و بامدادان سوار بر مرکب ها شوند.

آنانند راهیان شب و شیران روز و هم آنانند گوش به فرمان امام خویش، ایشان چون مشعل های فروزانند که دل های استوارشان بسان قندیل های نور در سینه شان آویخته است. این مردان تنها از خدا می ترسند فریاد «لا اله الا الله» و «الله اکبر» آنان بلند است. همواره شهادت و کشته شدن در راه خدا را آرزو می کنند و شعار آنان «یا لثارات الحسین» است. به هر سو روی می آورند، ترس و بیم از هیبت آنان، پیشاپیش در دل مردمان افتد (و تاب مقاومت از همه گرفته شود) این خداجویان سبک بال به سوی خداوند خویش روی می آورند و خدا به دست آنان امام حق را یاری می

۱. ینابیع المودة، چاپ نجف، ص ۵۰۹.

۲. «قال لو أن لی بکم قوة أو آوی إلى رکن شدید» [هود، ۸۰].

فرماید.^۱

۱۳- قطب‌الدین راوندی در کتاب الخرائج والجرائح نقل می‌کند که:

امیرمؤمنان (ع) بر منبر فرمودند: در آخرالزمان مردی از فرزندان من به پا خواهد خواست ... [تا اینکه می‌گویند:] هنگامی که پرچم او به اهتزاز درآید، شرق و غرب را در برمی‌گیرد و او دستان پریرکتش را بر سر بندگان خدا قرار می‌دهد. در این هنگام، مؤمنی باقی نخواهد ماند مگر آنکه قلبش از پاره‌های فولاد محکم تر شود و خداوند عزوجل نیروی چهل نفر را به او بدهد.^۲

۱۴- همچنین در روایت متعدد دیگر مانند آنچه در صحیح مسلم ذکر شده است:

آنان بهترین دلیران روی زمین هستند. مردانی هستند که خدا را آن گونه که باید شناخته‌اند. آنها پرچم داران حضرت مهدی (ع) هستند. آنان فقهیان، قاضیان و فرمان‌روایانند.

اخبار فوق بخشی از اخبار فراوانی هستند که ویژگی یاران مهدی را بیان می‌کنند و در حقیقت، به «شایسته سالاری» دلالت دارند. شایسته سالاری در رابطه با عدالت، از چند منظر و معنا قابل لحاظ است.

الف- عدالت به معنای عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره که ملکه درونی عدالت را تشکیل می‌دهد. این خصلت‌ها که ذکر شد، از عبادت، ایمان، شجاعت، اطاعت مولا و قدرت، همه حاکی از ملکه شدن این نوع عدالت در یاران مهدی است و آن حضرت عادلان را به این معنا گزینش می‌کند.

ب- عدالت به معنای اعتدال، دوری از افراط و تفریط و گزیدن حد وسط در بین رذائل و فضائل است. اوصاف ذکر شده حاکی از یک اعتدال درونی هستند. مثلاً شجاعت که در اخبار آمده حالتی معتدل بین جبن و تهور است.

د- عدالت به مفهوم «اعطاء کل ذی حق حقه» و «وضع کل شیء فی موضعه» - آن حضرت پرچم خود را به مردان صالح و صادق و حق شناس می‌دهد که جز از خدا نمی‌ترسند و کشته شدن در راه خدا را همواره آرزو دارند و زمزمه قرآن و مناجاتشان چون زنبوران عسل فضا را آکنده سازد (حدیث ۱۲).

و- طبق حدیث ۱۴، اینان فقهیان و قاضیان و فرمان‌روایانند. آری، چنین شایستگی

۱. سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، چاپ نجف، ج ۵ ص ۵۲.

۲. راوندی، الخرائج و الجرائح، ص ۱۹۵؛ شیخ طبرسی، اعلام آلوری، ص ۴۳۵؛ شیخ صدوق در کمال‌الدین.

برای چنین مناصبی مناسبند.

ه - عدالت به معنای موزون بودن و متعادل بودن که در سازمان یاران مهدی محسوس است. نظم و اعتدالی که دارند، سازمان زیبایی که دارند و در جغرافیای وسیع شرق و غرب (حدیث ۱۳) و هرشهر و پایتخت (حدیث ۱۲) با این گستردگی از انسجام و انتظامی خوب برخوردارند و همین نظم و اعتدال عامل فتوحات آنان است. در این زمینه، کافی است به حدیث ۹ مراجعه شود و نیز حدیث ۴.

جمع بندی

سازماندهی آن حضرت کاملاً متکی به عنصر عدالت است (به تفصیلی که ذکر شد).

برنامه ریزی

دومین وظیفه مدیر بعد از سازماندهی برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی مانند پلی است میان جایی که هستیم و جایی که می‌خواهیم به آن برسیم. برنامه‌ریزی یعنی انتخاب مأموریت‌ها، هدف‌ها و اقداماتی برای نیل به آنها که مستلزم تصمیم‌گیری و انتخاب از میان بدیل‌ها برای اقدام آینده سازمان است. برنامه‌ریزی اساسی‌ترین وظیفه در میان وظایف مدیریت است. دیگر وظایف مدیر، یعنی سازماندهی رهبری و کنترل، هدف‌هایی را پی می‌گیرند که در فرآیند برنامه‌ریزی پی‌گیری شده است. برنامه‌ریزی جایگاهی را که سازمان در آینده باید در آن قرار گیرد تعیین می‌کند و سپس مجموعه‌هایی از اعمال کارساز را که برای رسیدن به این وضعیت در آینده ضروری است انتخاب و اجرا می‌کند. همه افراد سازمان‌ها و گروه‌ها باید برای فعالیتهای خود برنامه‌ریزی کنند تا بتوانند به خواسته‌های خود جامه عمل بپوشانند.

آن حضرت (عج) برنامه‌ریزی دارد. برنامه‌ای برای اجرا و ایجاد عدالت، عدالتی در تمام ابعاد، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و ... که همان قسط است و عدالت اجتماعی (به معنای اعم) حال به گوشه‌ای و شمه‌ای از برنامه‌های مهدی (عج) اشاره می‌کنیم.

امام علی (ع):

۱۵- در زمان حکومت مهدی (ع) گرگ و میش با هم در یک مکان زندگی می‌کنند. بچه‌ها با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند، در حالی که اذیت نمی‌شوند. شر از میان

می رود و خیر باقی می ماند.^۱

۱۶- قائم ما با رعب و با پیروزی تأیید می شود. زمین در زیر پای او می پیچد و گنج-های آن از برای او آشکار می شود. حکومت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد و خداوند دینش را بر همه ادیان غالب می گرداند، گرچه مشرکان ناخوش دارند.^۲

۱۷- وقتی قائم ما از مکه قیام کند و عازم کوفه شود، منادی به او ندا می کند هیچ یک از شما خوراکی و آشامیدنی بر ندارد. مهدی (عج) سنگ موسی را که دوازده چشمه از آن جاری می شود با خود حمل می نماید در هر منزلی که وارد می شود آن را نصب می کند و چشمه ها از آن می جوشد و هر گرسنه از آن بخورد سیر و هر تشنه سیراب می شود. این توشه آنان خواهد بود.^۳

۱۸- مهدی (عج) هفت سال حکومت خواهد کرد که هر سال از آن معادل ده سال از سال های شماس است. آن گاه خداوند آنچه خواهد انجام خواهد داد. ابوبصیر می گوید: گفتم فدای تو شوم، چگونه این سالها طولانی می شوند؟

امام فرمود: خداوند به فلک امر می کند که کند حرکت کند. از همین رو، روزها و سالها طولانی می شوند. ابوبصیر می گوید: اگر در فلک تغییری پیدا شود، عالم تباه می شود. امام (ع): این سخن زندقه هاست. اما مسلمانان این سخن را خواهند پذیرفت. چرا که خداوند برای پیامبر خود ماه را دو نیمه کرد. قبل از آن برای یوشع بن نون خورشید را برگرداند و خیر. از طولانی بودن روز قیامت که معادل هزار سال شماس است داد.^۴

۱۹- قائم ما به هر سو که رود، ابرها بر سر او سایه می افکنند و با زبانی فصیح می گویند این مهدی آل محمد (ص) است که زمین را پس از وفور بی عدالتی و ستم پر از قسط و عدالت می کند. همچنین زمین در زیر پای او می پیچد. (یعنی قدرت طی الارض خواهد داشت)^۵

۲۰- چون قائم ما آل محمد (ص) قیام کند، شمشیرهای نبرد (از آسمان) فرود می آیند. بر هر شمشیری اسم خود و نام پدر صاحب آن شمشیر را نوشته اند.^۶

۱. منتخب الاثر، ص ۴۷۴؛ الزام الناصب، ص ۱۳۹؛ النجم الثاقب، ص ۱۵۶.

۲. بیان الائمة، ج ۳، ص ۲۵۵.

۳. الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۶۹۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳۵.

۴. الزام الناصب، ص ۲۲۳؛ اعلام الوری، ص ۴۳۲؛ بحار، ج ۵۳، ص ۳۳۹؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ نجم الثاقب، ص ۱۴۸.

۵. بیان الائمة، ج ۳، ص ۲۵۲.

۶. نعمانی، الغيبة، ص ۲۴۴؛ بشارة الاسلام، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.

۲۱- هرگاه قائم ما خروج کند، زمین گنج‌های خود را بیرون می‌برد و مردم هم آن را مشاهده می‌کنند.^۱

۲۲- هنگام ظهور، زمین به نور قائم (ع) منور می‌گردد و تاریکی از میان می‌رود و مردم نیاز به نورافشانی خورشید و ماه ندارند.^۲

۲۳- در دوران ظهور، مؤمن پرنده‌ای از هوا به زیر می‌کشد، سپس آن را ذبح کرده و پس از بریان نمودن می‌خورد، اما استخوانش را سالم باقی می‌گذارد. آن‌گاه به آن می‌گویند به اذن خداوند زنده شو، پس زنده می‌شود و پرواز می‌کند و همچنین است در مورد آهوهای صحرا. در آن زمان قائم (عج) مایه روشنی شهرهاست و مردم نیازی به خورشید و ماه ندارند. بر روی زمین، نه جانوری مودی یافت می‌شود و نه شری و نه سمی و نه فسادی "چرا که عدالت او آسمانی است و نه جن و شیطان در آن راهی برای وسوسه و فتنه‌انگیزی ندارند. بنابراین نه کردار زشتی وجود دارد و نه جسارتی و نه حسادت و نه چیزی از تباهی. زمین و درخت دچار آفت نمی‌شوند و کشتزارها سالم و برپایند و هرگاه چیزی از آن بگیرند، در وقتش می‌روید و به حالت اول برمی‌گردد. پدر خانواده به فرزندش لباس حریر می‌پوشاند، در حالی که پیوسته با اوست و مندرس نمی‌گردد و به هر رنگی که مایل باشد در می‌آید. برای شیطان در آن دوران بلدی یافت نمی‌شود که در آن مسکن گزیند و فرشتگان با مؤمنان مصافحه می‌کنند.^۳

۲۴- او گنج‌ها را استخراج می‌کند، اموال را تقسیم می‌کند و اسلام را حاکم می‌کند.^۴

۲۵- او متوجه شام می‌شود. جبرئیل و میکائیل اطراف او را می‌گیرند، اهل آسمان و زمین شادمانی می‌کنند، پرندگان، وحشیان و ماهیان شادی می‌کنند، آب در دوران او فراوان می‌شود و رودخانه‌ها جاری می‌گردند، زمین ثمرات خود را می‌افزاید، گنج‌ها ظاهر و خارج می‌شوند.^۵

۲۶- رسول خدا (ص) می‌فرماید:

در آخر امت من، مهدی خروج می‌کند. خدا باران را برایش فراوان می‌بارد و زمین، گیاه خود را می‌رویاند. او مال را به شکل صحیح تقسیم می‌کند، مرکب‌ها فراوان

۱. نجم الثاقب، ص ۱۵۹؛ منتخب الاثر، ص ۵۸۹.

۲. بیان الاثم، ج ۳، ص ۳۱۸.

۳. همان، ص ۳۱۷.

۴. منتخب الاثر ص ۵۸۹.

۵. همان.

می‌شوند و مردم مورد اعظام و اکرام می‌شوند. او هفت یا هشت سال حکومت می‌کند.^۱

۲۷- رسول خدا (ص) می‌فرماید:

مهدی هفت یا هشت سال حکومت می‌کند. امت من در آن در تنعم و رونق هستند که هیچ امتی این‌گونه در رفاه نبوده است. زمین هرچه دارد بدون کم و کاست رو می‌کند، مال در آن زمان مثل دوس است به هرکس می‌رسد. می‌گویند هرچه می‌خواهی بردار.^۲

۲۸- در زمان قائم (عج)، فراوانی و وفور از جهت باران و کشاورزی است. کینه از دل بندگان می‌رود، وحشیان رام می‌شوند، یک زن بین عراق و شام عبور می‌کند. در حالیکه همه جا همواره گیاهان و مزارع است و زینت خود را با خود دارد، هیچ درنده ای او را دچار اضطراب و ترس نمی‌کند. اگر می‌دانستید به خاطر ایستادگی در برابر دشمن و تحمل ناروائی که می‌شنوید چه چیزی برای شما خواهد بود و هر آینه دل‌های شما شاد می‌شد.^۳

۲۹- امیرالمومنین (ع) می‌فرماید:

مهدی (عج) فرماندهان (فرمانداران) را به شهرها می‌فرستد تا به عدالت بین مردم حکم کنند. گوسفند یا گریگ یک‌جا خواهند بود، بچه‌ها با عقرب و مار بازی می‌کنند، بدون آزار و اذیت... بدی می‌رود و خوبی باقی می‌ماند. رونق کشاورزی بی‌اندازه می‌شود. زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی‌بندد، مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می‌آورند، نماز جماعت رونق می‌گیرد. عمرها طولانی می‌شود، امانات اداء می‌شود، درختان پرمیوه می‌شوند، برکات فراوان می‌گردد، اشرار نابود می‌شوند، اختیار باقی می‌ماند، دشمنان اهل بیت باقی نمی‌مانند.^۴

این مثنوی از خروار است. احادیث فراوان ولی مجال این مقال اندک است. دو عنصر برنامه‌ریزی و عدالت از میان این اخبار نورانی موج می‌زند. نیاز به شرح نیست «عدالت اجتماعی» که شامل عدالت در همه عرصه‌ها می‌شود، کاملاً مشهود است.

۱. همان، ۵۹۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۷۷.

۲. همان.

۳. همان، ۵۹۲ (به نقل از خصال از حضرت امیرالمؤمنین (ع)).

۴. همان، ۵۹۳ (به نقل از کشف الاستار).

در حدیث ۱۹، بحث از پر کردن زمین از قسط و عدل است و در حدیث ۲۸: بحث از حکومت عادلانه فرمانداران و کارگزاران او در بلاد است. از این قبیل اخبار که از اعمال عدل به شکل مطلق یاد می‌کند، در جوامع حدیثی مهدوی فراوان است. مخصوصاً که اصطلاح (مملو کردن) طرح شده، آن هم بعد از مملو بودن از ظلم، پر کردن عدل " یعنی فراگیری و گسترش و همه‌جانبگی عدالت. استاد مطهری می‌گوید:

«آیات قرآنی عدل را چهار قسمت کرده: عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اجتماعی و عدل اخلاقی و آنچه در قرآن در زمینه عدل اجتماعی آمده، چهار قسمت است: عدل خانوادگی، عدل قضایی^۱، عدل اصطلاحی اجتماعی^۲ و عدل سیاسی^۳ بیش‌ترین آیات مربوط به عدل و درباره عدل جمعی و گروهی است، اعم از خانوادگی، سیاسی، قضایی، اجتماعی. تا آنجا که این بنده به تقریب به دست آورده در حدود ۱۶ آیه در این زمینه است.

برنامه حضرت مهدی (عج) امتلاء ارض از عدالت به صورت تمام و کمال است والا (یملاً الارض به قسطاً و عدلاً) معنا ندارد و اما آنچه از اخبار به دست می‌آید و جز برنامه عادلانه اوست:

الف- عدالت اقتصادی (آشکار شدن گنج‌ها در حدیث ۱۶) که در احادیث فراوانی به آن اشاره شده، حاکی از یک فعالیت عظیم و رونق اقتصادی است که آنچه ثروت در دل زمین است استخراج می‌شود. هرچند لحن آیات حاکی از یک اعجاز و کرامت است، ولی می‌تواند حاکی از قدرت مدیریت برنامه‌ریزی آن حضرت در به کارگیری نیروها هم می‌باشد. به هر حال، این اصطلاح مکرر (آشکار شدن گنج‌ها)، سمبلی از رونق و استخراج معادن گوناگون است " یعنی مدیریت بهره‌وری یعنی استفاده از جمیع امکانات زمین، نه اینکه زمین پر از ثروت باشد و مثل بعضی کشورها، مردم روی آن گرسنه قدم بزنند.

ب- اصطلاح «فراوانی باران» (حدیث ۲۵ و ۲۶)، «جوشش چشمه‌ها» (حدیث ۱۷)، «فراوانی آب در دولت او» (حدیث ۲۵) حاکی از عدالت است " چرا که در اخبار است اگر عدالت قضایی باشد، آسمان می‌بارد. و نیز حاکی از یک (مدیریت آب) است که از شاخه‌های

۱. فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۳۱، ص ۱۳۴، (به نقل از عدل الهی، ص ۳۸).

۲. رک: سوره نساء، ۶۲؛ مائده، ۴۵ و ۸؛ نساء، ۱۳۵.

۳. رک: سوره نمل، ۷۶؛ آل عمران، ۲۱.

۴. رک: سوره نساء، ۶۰؛ مائده، ۴۸؛ ۲ و ۸.

مدیریت بهره‌وری است.

ج- عدالت بالسویه اجتماعی کاملاً مشهود است^۱ چرا که لحن حدیث مطلق است و شامل همه انسان‌ها در همه زمین می‌شود. بحث از سرزمین خاص نیست^۲ قلمرو حکومت او سراسر سرزمین و همه انسان‌ها هستند و طبق اخبار که هیچ قیدی ندارد، این ثروت جوشان، فراگیر و بدون تبعیض است و شعبه‌ای از رحمت رحمانیه است.

د- در تعریف برنامه‌ریزی گفته شد انتخاب اهداف از عناصر اصلی آن است و کلیه اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها برای رسیدن به آن اهداف انجام می‌پذیرد. مهدی (عج) از حکومت خود چه هدفی دارد، جز همان اهداف که رسول خدا (ص) و امیرالمومنین (ع) داشتند کما اینکه آن حضرت در یک خطبه به چهار هدف اشاره می‌کند (احیای معالم و شعائر دین خدا، اصلاح (آبادانی شهرهای خدا) امنیت بندگان مظلوم خدا و اقامه حدود خدا)^۱ همین اهداف را امام حسین (ع) هم به عینه بیان می‌کند.^۲ این اهداف در یک کلمه قرآنی (قیام به قسط) خلاصه می‌شود.^۳

در اخبار فوق، مهدی هم امنیت می‌آورد. نماد امنیت بازی کردن بچه‌ها با عقرب‌ها و مارها بدون ترس (حدیث ۱۵)، مسافرت یک زن با زینت بدون ترس از عراق به شام (حدیث ۲۸)، جمع شدن گرگ و میش با هم (حدیث ۱۵)، رفتن بدی‌ها و بدها و باقی ماندن خوبی‌ها و خوبیها (حدیث ۲۳) می‌باشد. این‌ها سمبل امنیت بندگان مظلوم است که «زن و بچه» به عنوان مثال اتم است که نوعاً در بحران‌ها دچار وحشت می‌شوند (بیش از مردان) و پرواضح است که امنیت کامل در سایه عدالت قضایی است. اگر قاضیان عادل نباشند و احقاق حق و ابطال باطل نکنند، امنیت افسانه‌ای بیش نخواهد بود. قرآن می‌فرماید:

«در زمان ظهور) خداوند برای مؤمنان و عاملان صالح خوف را به امنیت تبدیل

می‌کند.»^۴

و این وعده خدا تحقق می‌یابد. «اصلاح در بلاد» که از اهداف حکومت علوی بوده است هم در حکومت مهدوی از خلال اخبار مشهود است. نسل‌ها اصلاح می‌شود، اخلاق‌ها اصلاح می‌شود، بدی‌ها وجود ندارد، منکر زائل می‌شود، لباس‌ها مندرس نمی‌شود. هر رنگ بخواهند ظاهر می‌شود (حدیث ۲۳) اگر دقیق مرور شود، رونق اقتصادی و بی‌نیازی مردم از هر حیث

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶.

۲. تحف العقول ص ۱۹۸؛ محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین (ع) ج ۶ ص ۳۰۷.

۳. حدید، ۲۵.

۴. نور، ۵۵.

حاکی از یک عدالت اقتصادی است. فقر توزیع نمی‌شود که نوعی عدالت منفی است" بلکه فراوانی و ثروت توزیع می‌شود. این حدیث پیامش این است که کسی زیر خط فقر نیست. تهاجم فرهنگی از بین می‌رود که نوعی عدالت فرهنگی را می‌رساند (برای شیطان جایی باقی نمی‌ماند)^۱ یعنی اینکه تهاجم و نقشه‌های او شکست می‌خورد. هیچ پدری جلوی فرزندش خجل نیست. تسلط اقتصادی و فرهنگی دارد. مردم مرغ را می‌خورند، دوباره زنده می‌شود، یعنی هیچ کمبودی نیست. تمام اهداف چهارگانه علوی و تمام اقسام عدالت که استاد مطهری شمرده، همه در این اخبار مندرج است.

هـ برخی اندیشوران برآنند که امام مهدی مبدءالآیات است یعنی صاحب معجزه است و تمام برنامه ریزی و سازمان دهی و رهبری و نظارت او اعجاز آمیز است و اخبار حاکی از این امر است. و لذا مدیریت او با استانداردهای مدیریت مادی و تمدنی سازگار نیست طرحی نو در می‌اندازد با ساقی به هم می‌سازد و سقف می‌شکافد^۱ و نیز برخی دیگر برآنند که عدالت مهدوی ناشی از عدالت خدایی است و عدل مثل توحید امری فطری است. و چون تمدن موجود بشری افسار گسیخته و به دور از استانداردهای عدل فطری است و امام مهدی (عج) عدالت فطری را پیاده می‌کند. پس لاجرم با این تمدن های مادی و اندازه های آن نمی‌سازد و از راهبردها و راه کارهای دیگر فوق مادی استفاده می‌کند و جامعه ای بدور از معیارهای شناخته شده می‌سازد.^۲

به نظر می‌رسد که لحن اخبار و ادبیات خاص آن که مبتنی بر فرهنگ مغیبات است موجب چنین برداشت هایی شده است در صورتی که اندیشمندی دیگر^۳ معتقد است که همه چیز عادی و مادی است حتی اگر بحث از نوری در کف دست یاران مهدی دیده می‌شود^۴ که از یکدیگر اطلاع پیدا کنند همین وسائل ارتباط الکترونیک جدید است و نه امری خارق العاده، آنچه حق است امری میان این دو نوع اندیشه است.

حکومت حضرت مهدی (عج) چون آخرین حلقه حکومت ولوی و رحمانی است علی القاعده از نوعی کرامت برخوردار خواهد بود تا ریشه تمام ظلم و استکبار را بکند و بخشکاند و چون سنت خداوند جریان امور از طریق اسباب است از تدابیر سیاسی اجتماعی و اقتصادی

۲. نشریه موعود (ماهنامه) ش ۲۸، ص ۱۶ (مهدی نصیری).

۲. روزنامه رسالت، ش ۵۳۵۷، ص ۱۶.

۳. فصل نامه انتظار، ش ۶ ص ۲۱.

۴. حدیث ۳۰ همین مقاله.

شناخته شده استفاده می شود منتهی با قدرت و سرعتی خارق العاده تر و به قول بعضی متفکران معاصر^۱ (اینکه همه سلاح ها در مقابل مهدی (عج) از کار می افتد به این علت است که حضرت مهدی (عج) آگاهی می دهد لذا آن ها به ناکارایی سلاح ها و تو خالی بودن دشمنان پی می برند و مقابله می کنند و آن سلاح بی تاثیر می شود در مقابل اراده مردم مثل انقلاب بهمن ۵۷) با این برداشت ادبیات کرامت آمیز مهدوی که تا بحال ۲۹ نمونه از آن، در این مقاله نقل کردیم. در عین خارق العاده بودن تاثیر به خاطر شخصیت خارق العاده حضرت مهدی (عج) همه چیز را از طریق اسباب خودش پی می گیرد. و حضور فرشتگان و اجنه هم از این قبیل قدرت های زوانی و روحی است که گاهی تحت عنوان (رعب) در بعضی اخبار طرح شده است (حدیث)

این نکته را از این جهت نقل کردیم که وقتی از عصر عدالت همه جانبه در برنامه ریزی آن حضرت سخنی می رانیم نگاه صحیحی داشته باشیم. چرا که حکومت مهدوی همانند حکومت نبوی و علوی برای ما منتظران الگوست صرف امیدزایی نیست باید با استانداردهای بشری قابل تحقق باشد تا بتوانیم در حکومت های اسلامی قبل از حکومت مهدوی به تحقق عدالت اجتماعی همت گماریم.

بر این اساس حدیث ۱۷ که از سنگ موسی که همراه مهدی است و واجد همه تدارکات است می تواند وسیله ای بسیار پیش رفته باشد چرا که قسمت اعظم علم نزد حضرت مهدی (عج) است^۲ و می تواند پیش رفته ترین امکانات را در اختیار بگیرد.

نکته ای که باقی می ماند لحن شدید امام صادق (ع) در حدیث ۱۸ است که مخالفان طولانی شدن سال ها را زندیق می شمارد کما اینکه مخالفان انشقاق قمر به دست رسول خدا (ص) را زندیق می انگارد. زندیق منکر قدرت خارق العاده الهی است. باید گفت اگر ما قاعده (جریان امور از طریق اسباب) را بپذیریم همه چیز حل می شود. حتی طولانی شدن زمان، کما اینکه در تعریف معجزه و تمایز آن با سحر به همین نکته (تکیه بر اسباب) اشاره و تکیه می شود.

به تناسب نکته ای برنامه ریزانه هم گفته شود و آن اینکه از انواع برنامه ریزی مدیریت زمان است^۳ و حدیث ۱۸ به آن هم اشاره دارد. مدیریت زمان علاوه بر تعریف اصطلاحی آن که بهره برداری بهینه از زمان است و شعار مبنایی آن (توزیع الوقت توسیع الوقت است) با

۱. آیت الله امینی نویسنده دادگستر جهان، سخنرانی قبل از خطبه های تهران - سال ۶۹ (۶۶/۱۲/۱۰ جمعه).

۲. منتخب الاثر ص ۳۱۸ (ان العلم بکتاب الله و سنت نبیه (ص) ینبث فی قلب مهدینا کما ینبث الزرع علی احسن نباته).

۳. مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۳۶۹.

الهام از این حدیث می تواند معنای خاصی پیدا کند و آن مدیریت زمان با ولایت تکوینی است که بتوان آن را توسعه داد، و شاید این معنا باشد که توسیع و طولانی شدن وقت حاکی از بهترین استفاده از زمان است. وقتی از ثانیه ثانیه به شکل مفید استفاده کنیم زمان اضافه می آوریم. صاحبان مدیریت زمان در ۲۴ ساعت که دیگران هم در اختیار دارند برآمدی ۷۲ ساعته یا بیش تر دارند، چرا که بلدند چگونه استفاده کنند، این رمز و راز مدیریت زمان است، بر این اساس توجه به تدبیر الهی حضرت مهدی (عج) و مدیریت فوق عالی زمانی توسط ایشان گویا زمان طولانی تر از همیشه است مثلاً در حدیث شماره ۲۶ مدت حکومت ایشان را به هشت یا نه سال دانسته است ولی همین زمان وقتی خوب بهره برداری شود با هزار سال برابر است.

لذا آن حضرت برنامه ریزی عادلانه و خارق العاده خود را که در همه ابعاد است در همین مدت کوتاه انجام می دهد ... از این رو نیاز نیست خیلی خود را اسیر اعداد و ارقام نماییم. (والله العالم) این همان عدالت بی پایانی است که توسط آن حضرت انجام می گیرد.

و- حدیث ۲۰ حاکی از مسلح بودن و توانایی نظامی همگانی است همه به نامشان شمشیری ثبت است این نوعی عدالت است که همه آموزش دفاعی و نظامی می بینند و نیز فراوانی سلاح را نشان می دهد در مقابل این امت مسلح و تحت فرمان فرمانده چگونه می توان ایستاد؟! ۲۱۰

ح- حدیث ۲۲ حاکی از اوج عدالت اجتماعی است که آنچنان صحنه‌ها را نورانی می کند که گویا مردم نیازی به نورافشانی خورشید و ماه ندارند. و چون نور فراگیر است، پس عدالت او فراگیر است.

ط- حدیث ۲۵ حاکی از رضایت همگانی از حکومت آن حضرت است که ناشی از اعمال عدالت است. چرا که شادی آسمان و زمین را ناشی از ظهور او و ظهور آب و گنج از آسمان و زمین می داند این یک عدالت رضایت آمیز است.

ی- در حدیث ۲۶ بحث از تقسیم صحیح اموال است که همان توزیع عادلانه ثروت است که به لفظ (صحیح) از قول نبی اکرم (ص) طرح شده است یعنی عمده ترین معضل اقتصادی حکومت ها و دولت ها را حضرت مهدی (عج) با مدیریت عادلانه و برنامه ریزی عادلانه اقتصادی خود حل می کند و به گونه ای که رسول خدا (ص) در حدیث ۲۷ بر بی نظیری رفاه مهدوی اشاره می کند آنقدر مردم در اثر این توزیع بی نیاز می شوند که سیاست چک سفید اعمال می شود و طبق حدیث ۲۷ مال در یک ظرف است و هر کس به شکل آزاد از آن برمی دارد.

ک- این عدالت اقتصادی و این برنامه ریزی کم نظیر اجتماعی از آن رو به ثمر می نشیند

که طبق حدیث ۲۹ در آن ربا وجود ندارد، ربا مظهر اقتصاد و تجارت نامشروع و غیرصحیح است و این یک پیام است برای کلیه اقتصاد دانان که تنها راه عدالت اقتصادی گریز از ربا و خانواده آن است (هر نوع فساد اقتصادی) حدیث ۲۹ می گوید وقتی ربا و زنا و بدی و شرب خمر نیست، عمرها طولانی تولیدات عالی دیانت و امانت موجه و معروف و برکات فراوان می گردد. و اینکه می فرماید دشمنان اهل بیت باقی نمی مانند کنایه از این است که اقتصاد اهل بیت حاکم می شود اقتصادی که قرنها مانع از تحقق داشته است بدست مهدی (عج) پیاده می شود.

جمع بندی: پس عدالت اجتماعی اعم از عدالت قضایی، فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی و شغلی و امنیتی است که از خلال اخبار فوق استنتاج شد. و دست آورد دست پر قدرت مهدی (عج) می باشد. که ناشی از برنامه ریزی است به عنوان یکی از پنج وظیفه مدیریت.

نظارت

سومین وظیفه یک مدیر نظارت است

نظارت یا کنترل را به گونه های مختلف تعریف کرده اند در همه این تعریف ها کنترل را نوعی مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد دانسته اند یکی از این تعاریف از استونر است که می گوید:

کنترل مدیریتی فرآیندی است جهت حصول اطمینان از این که فعالیت های انجام شده با فعالیت های برنامه ریزی شده مطابقت دارد در واقع کنترل فراگیرتر از برنامه ریزی است کنترل مدیران کمک می کند تا مراقب اثر بخشی فعالیت های برنامه ریزی، سازماندهی و هدایت باشند، بخش اصلی فرآیند کنترل، اعمال اقدامات اصلاحی مورد نیاز است.^۱

یکی از عللی که موجب می شود مدیران به سختی تفویض اختیار کنند این است که نگرانند زیردستان کاری را که مسئولیتش بر عهده آنان است به درستی انجام ندهند، اگر مدیر نظام کنترل موثری به وجود آورد این بی میلی به تفویض اختیار کاهش می یابد. مدیرانی که اختیار خود را تفویض می کنند چون نهایتاً خود مسوول تصمیم هایی هستند که زیردستان می گیرند به سازوکار بازخورد نیازمندند.^۲

نظارت ها دو دسته است:

۱. رک: مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۴۸۹.

۲. همان، ص ۴۹۰ و ۴۹۱.

اول خود نظارتی یا نظارت از درون؛

دوم نظارت بیرونی و سازمانی.

در دید اسلام نظارت درونی بر دو پایه عدالت و تقوا است ﴿اعدلوا هو اقرب للتعوی﴾^۱ «عدالت کنید به تقوی نزدیک شوید» عدالت در این معنا همان اعتدال درونی و کسب اوساط از فضایل و نیز دوری از کبائر و عدم اصرار بر صغائر و اموری که مورد نظارت هستند عبارتند از: افراد امور مالی، عملیات و برنامه‌ها.

در حکومت مهدی (عج) نظارت چگونه است؟ به چند خبر مهدوی اشاره می‌کنیم:

۳۰- چون قائم آل محمد قیام کند به هر اقلیمی مردی می‌فرستد و به او می‌گوید:

فرمان تو در کف توست چون با موضوعی مواجه شوی که از آن سردر نیاوری و نفهمی به کف دست خود نظر کن و به هر چه در او بینی عمل نما قشونی به قسطنطنیه می‌فرستد چون به خلیج برسند چیزی بر پاهای خود می‌نویسند و روی آن راه می‌روند اهل روم آنها را می‌بینند و می‌گویند اینها اصحاب او هستند که روی آب راه می‌روند پس خود او چگونه است؟ آن گاه دروازه شهر را به روی آنان باز خواهند کرد آنها وارد می‌شوند و هر چه بخواهند حکم می‌نمایند.^۲

۳۱- هر گاه قائم ما قیام کند خداوند به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما قوه و

نیرویی بخشد در حالی که بین آنها و قائم (ع) واسطه‌ای نباشد، با شیعیان ما تکلم فرماید و آنها می‌شنوند و به آن حضرت می‌نگزند در حالیکه آن حضرت در مکان خود می‌باشد.^۳

۳۲- گویا قائم را می‌بینم که در پشت نجف بر اسبی سیاه همراه با نقاطی سفید و

خطی سفید در پیشانی آن سوار شده است آن گاه آن را به حرکت می‌آورد و در پس در این هنگام اهل همه سرزمین‌ها او را در پشت سرزمینشان مشاهده می‌کنند.^۴

۳۳- در خصوص قول خداوند ﴿اینما تکنونوا یات بکم الله جمیعاً﴾؛ «هر جا

باشید خدا همه شما را جمع می‌کند» ابوالحسن (ع) می‌فرماید: مربوط به قیام قائم است

۱. مائده، ۹.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۲۶۵.

۳. الکافی، ج ۸ ص ۲۴۱؛ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ منتخب الاثر، ص ۶۰۷.

۴. بیان الائمه، ج ۳، ص ۱۶۹ (به نقل از کمال الدین و تمام النعمه).

که خداوند جمع شیعیان را از جمیع بلدان جمع می‌کند.^۱

۳۴- امام باقر (ع) در تفسیر آیه ﴿الذین ان مکننا هم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر فله عاقبة الامور﴾ فرمود: این مربوط به آل محمد (ص) است مهدی (ع) و اصحاب او را خداوند در مشرق و مغرب زمین حاکم می‌گرداند دین را پیروز می‌گرداند و بوسیله مهدی و اصحاب او بدعت‌ها و باطل را زائل می‌کند پیروان باطل را هم زائل می‌کند تا اثری از ظلم نماند یاران مهدی امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امر از آن خداست (سرانجام دین خدا حاکم می‌شود).^۲

۳۵- امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم مومنی در شرق برادرش را در مغرب مشاهده می‌کند و آنکه در مغرب است برادرش را در مشرق می‌بیند.^۳

اخبار فوق حاکی از نظارت آسان و جمعی است همه تحت نظر دیگری و دیگران هستند (حدیث ۳۵ و ۳۱). امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت عمومی رایج است و از برنامه‌های اصلی دولت مهدی (عج) است (حدیث ۳۴) از خصوصیات یاران مهدی (عج) به شکل بارز ایمان و تقوی و شجاعت است (احادیث ۷ تا ۱۴) که خود حاکی از یک نظارت درونی یا خود نظارتی است که در مدیریت نوین به آن اهتمام ویژه‌ای می‌شود.^۴

مدیران را از نظارت تحمیلی پرهیز و به خود نظارتی سوق می‌دهند و این همان نهادینه شدن ملکه تقوی و عدالت است. بنابراین ظهور عدالت درونی که عامل پرهیز از گناه و موجب تعادل اخلاقی و فضیلتی است در یاران مهدی موج می‌زند و نظارت را خود بخود اعمال شده قرار میدهد ... (این یک جلوه از عدالت در نظارت و مدیریت عادلانه مهدی)

از سوی دیگر در مدیریت نوین از (نظارت موثر) صحبت شده است^۵ که عبارت است از نظارتی که به جمع آوری اطلاعات اکتفا نمی‌کند بلکه با استفاده از بهترین ساز و کارهای نظارتی و بهترین راه کارها تا پایان پیش می‌رود و کار نظارت را با اقدام اصلاحی تمام می‌کند. آن گاه یکی از خصلت‌های نظارت موثر (اعتدال در نظارت) شمرده شده که میانه روی در

۱. منتخب الاثر، ص ۵۹۷، ح ۲ (به نقل از غایة المرام).

۲. همان، ص ۵۸۵ (به نقل از المحجة ما نزل فی القائم الحجة).

۳. همان، ص ۶۰۷.

۴. گری دسلر، مبانی مدیریت، ترجمه داوود مدنی، ص ۱۷۳.

۵. همان ص ۱۷۴.

نظارت است نه خیلی زیاد نه خیلی کم و گفته شده نظارت زیاد به لجابت، فریب دادن و دادن اطلاعات غیر معتبر و اصلاحات مقطعی می‌انجامد و نظارت کم به تورم هزینه‌ها می‌انجامد، لذا نظارت معتدل سفارش شده است.

ما یکی از معانی عدالت را معنای چهارم میانه روی و دوری از افراط و تفریط آوردیم. و حکومت مهدی (عج) که مظهر عدالت تمام عیار است از بعد میانه روی هم بهره مند است لذا آن حضرت از نظارت میانه و موثر استفاده می‌کند. چون یارانش پاک و پاک باخته هستند، به شکل خودجوش کار می‌کنند ولی از آن جهت که فرد هرچه بهتر باشد بازهم نظارت می‌خواهد برای این کار طبق حدیث ۳۰ در کف دست آنها نوری قرار داده که عامل ارتباط و نظارت است ... علاوه بر اینکه نظارت عمومی امر به معروف و نهی از منکر هم وجود دارد. (طبق حدیث ۳۴).

وجه سوم عدالت در نظارت عدالت به معنای مساوات و رفع تبعیض است چرا که لسان اخبار مطلق است و همگان را شامل می‌شود حتی خود حضرت علاوه بر اینکه از سوی خداوند تحت نظارت است. از سوی مردم هم به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و بوسیله نور در کف دست هر فرد تحت نظارت است هر چند عصمت درونی او را بی‌نیاز کرده است ولی عدالت اقتصادی تعمیم در نظارت را دارد. چرا که ملاک نظارت وجود اختیار و مسئولیت است.^۱ و بالاترین مسئولیت در اختیار مهدی (عج) است. (او نیز همانند جدش علی(ع)) که خود را از نظارت مستثنی نمی‌دانست^۲ و مردم را به نصیحت خویش دعوت می‌کرد،^۳ خود را از نظارت مردم مستثنی نمی‌داند؛ اگرچه در عمل موردی برای اقدام اصلاحی پیدا نشود. و دلیل دیگر این نظارت پذیری مهدی(عج) این است که الگو بودن حکومت برای حکومت‌های قبل از ظهور هم باقی بماند که همه خود را نیازمند نظارت بدانند.

جمع‌بندی؛ نقش عنصر عدالت در نظارت: (طبق معانی ده‌گانه عدالت که در آغاز این مقاله آمده است)

نظارت درونی یا خودنظارتی که همان کلمه عدالت و تقوا است؛ (معنای هفتم و دهم عدالت).

نظارت معتدل و به دور از افراط و تفریط؛ (معنای چهارم عدالت).

۱. عمید زنجانی، ماهنامه ناظر، ش ۱۲، ص ۶

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۰.

۳. همان، خطبه ۳۴.

نظارت عام و همگانی از پائین به بالا یا از بالا به پائین بدون تبعیض. (معنای پنجم عدالت).

انگیزش

چهارمین وظیفه یک مدیر انگیزش است. انگیزش از ساده‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین وظایف مدیریت است. به این دلیل ساده است که مردم به سوی رفتاری که احساس کنند پاداشی در پی دارد برانگیخته می‌شوند. بنابراین؛ برانگیختن شخص نباید کار چندان دشواری باشد؛ فقط باید مشخص شود که شخص چه می‌خواهد تا بتوان از آن به عنوان پاداش و انگیزه استفاده کرد. در همین مرحله نیز انگیزش پیچیده می‌شود؛ چرا که آن چه را که یک نفر به عنوان پاداش مهم تلقی می‌کند، ممکن است برای شخص دیگری مهم نباشد. افراد از نظر چگونگی پیش‌بینی موفقیت خود با هم متفاوتند. با این حال علی‌رغم پیچیدگی انگیزش، تردیدی نیست که انگیزش اساس مدیریت است. اگر مدیران نتوانند به گونه‌ای کارکنان را تشویق به کار کنند، در مدیریت موفق نخواهند شد.^۱ درباره انگیزش، نظریات متفاوتی ابراز شده است؛ ویکتور روم، مازلو، فردریک هرزبرگ، مک کلاند، وسل گلرمن و گری دسلر که مشهورترین آن‌ها نظریه ابراهام مازلو است که براساس سلسله مراتب نیازها از مادی به معنوی تنظیم شده است. او معتقد است تامین نیاز عمده‌ترین عامل انگیزش است.^۲ خاصیت انگیزش این است که افراد بدون خستگی و بیهودگی با عشق و علاقه نهایت توان را به کار می‌گیرند تا نیازهای خود را تامین کنند در نظریه مدیریت رحمانی بالاترین انگیزش به برآورده شدن متعالی‌ترین نیازها اختصاص یافته است.^۳ در حکومت مهدوی انگیزش یاران مهدی به اوج می‌رسد.

۳۶- مفضل بن عمر از امام صادق (ع) سوال کرد آقای من حضرت مهدی (عج) از کجا و

چه گونه ظهور می‌کند؟ امام (ع) فرمود:

ای مفضل تنها ظاهر می‌شود و تنها به خانه خدا می‌آید و تنها وارد کعبه می‌شود و آن روز را به تنهایی به شب می‌رساند. چون شب فرا آمد و مردم همه خواب رفتند جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان از آسمان نزد او فرود می‌آیند. جبرئیل به او می‌گوید: آقای من سخت روا و امرت نافذ است. آن حضرت دست مبارک بر

۱. مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۴۶۲.

۲. همان صص ۴۶۴ - ۴۷۰.

۳. همان صص ۴۷۰ - ۴۷۳.

صورت خود می کشید و می گوید: ستایش خدای را که وعده خویش استوار فرمود و زمین را در قبضه ما گذاشت. در هر کجای بهشت که بخواهید منزل می گیریم چقدر خوب است اجر و پاداش عمل کنندگان در بین رکن و مقام می ایستد و به آواز بلند می گوید: ای جماعت نقباء، ای خاصان و آنان که شما را (خداوند) پیش از ظهور برای نصرت من ذخیره کرد، از صمیم دل و اطاعت کامل نزد من آید. صدای مبارک آن حضرت در شرق و غرب عالم به آن‌ها می رسد، بعضی از آن‌ها در محراب به عبادت مشغول و بعضی در رختخواب می باشند. به همین یک صدا همه آواز او را می شنوند، دعوتش را اجابت کرده و اندازه یک چشم بر هم زدن به مگه می آیند. همه آنان پیش او در بین رکن و مقام حاضر می شوند. خداوند امر می فرماید نوری از آسمان تا زمین ستون وار کشیده شود و به آن نور همه مؤمنان که در روی زمین هستند روشنائی می گیرند و نوری از آن به اندرون خانه‌های مؤمنان بتابد و دل‌های آنان به تابش آن نور خرم و خرسند می شود.^۱

۳۷. گویا می بینم که اصحاب قائم (عج) را که بین آسمان و زمین را پر کرده‌اند. چیزی نیست مگر مطیع آن‌ها حتی درندگان زمین و هوا همه چیز و همه کس در صدد تامین رضایت آن‌ها هستند. زمینی بر زمینی دیگر فخر می کند و می گوید امروز بر من یکی از اصحاب قائم (عج) گذشته است.^۲

۳۸. فرج ما هنگامی است که صاحب این امر (قائم) با میراث‌های پیامبر اکرم (ص) از مدینه خارج شده رهسپار مکه معظمه گردد، راوی پرسید: میراث پیامبر اکرم (ص) چیست؟ فرمود: شمشیر، زره، عمامه، بُرد، تازیانه، پرچم، کمان و زین است. آن حضرت چون وارد مکه شد شمشیر را از غلافش در می آورد، زره و بُرد و عمامه را می پوشد، پرچم را برافراشته تازیانه را به دست می گیرد و از خدای تبارک و تعالی اذن ظهور می طلبد.^۳

۳۹. امام باقر (ع) فرمود:

زمانی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان قرار می دهد، پس عقل‌های

۱. الزام الناصب، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۱.

آن‌ها را جمع می‌کند و خواسته‌های آنان با این کار کامل می‌شود.^۱

۴۰. امام صادق (ع) در حدیثی طولانی که در آن آمار یاران حضرت مهدی (عج) را به

تفصیل کشورهای آن‌ها ذکر کرده است. در ضمن آن ابوبصیر می‌پرسد:

فدایت شوم آیا در زمین غیر از آنان کسی مؤمن نمی‌باشد؟ فرمود: بلی، ولی اینان

کسانی‌اند که خداوند قائم (عج) را از میانشان برگزید. و آنان نجبا، قضاة، حکام و فقها

در دین هستند. خداوند ظاهر و باطن آنان را پاک کرده به گونه‌ای که هیچ امر و

حکمی بر آنان مشتبه نمی‌شود.^۲ هر کدام از آنان خودش را با ۳۰۰ نفر برابر می‌داند.^۳

تا این‌جا، چهل حدیثی که آورده شد، چهار وظیفه یک مدیر اسلامی و مهدوی روشن

گردید. وظیفه پنجم که رهبری است، در حقیقت مجموعه این چهار وظیفه و چهل حدیث

است. البته در این نوشته فرصت این مختصر مجال پرداختن به آن را نمی‌دهد.

انگیزش هم از این احادیث خاص برداشت می‌شود و هم از مجموعه چهل حدیث. وقتی

امامی عادل باشد. خصایص رسول خدا (ص) را داشته باشد تمام ودائع رسول خدا (ص) را با خود

حمایل کرده باشد، (حدیث ۳۸) آن برنامه عادلانه و آن نظارت عدالت محور و آن سازماندهی

مبتنی بر اعتدال را داشته باشد، بدیهی است که همه به فرمانش در آیند. وقتی مساوات برقرار

شود، هر کس به حق خود برسد و در جای خویش قرار گیرد. چگونه ممکن است که انگیزخته

نشود. وقتی مهدی (عج) ظهور کند از مکه صدا زند هر جا باشد خود را برساند (حدیث ۳۲)

﴿اینما تکنوا یأت بکم الله جمیعاً﴾ وقتی آن امام همام دست شفقت و قدرت بر سرها

می‌کشد، عقل و اندیشه را جمع می‌کند، عقل جمعی را به عقل فردی برتری می‌دهد و

آرزوهای کودکانه و دراز را به آرزوهای واقعی و شرعی تبدیل می‌کند (حدیث ۳۹). چگونه

جهش و جنبش در یاران ایجاد نشود و جان خود را پناه او قرار ندهند؟ (حدیث ۱۰) و هر چه را

اشاره کند با جان و دل انجام ندهند. (حدیث ۱۰).

بی‌تردید اصلی‌ترین عامل انگیزش، وجود عدالت است که در تار و پود نظام مهدوی

مشهود است. در سازماندهی، نظارت برنامه‌ریزی، رهبری و هماهنگی، این عنصر است که

یاران او را به اهتزاز و ابتهاج در می‌آورد.

۱. منتخب الاثر، ص ۶۰۷، عن الکافی... عن ابی جعفر (ع) قال: «اذاقام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم».

«قال فی مرآة العقول الضمیر فی قوله (یده) اما راجع الی الله او الی القائم علیه السلام و علی التقدیرین کنایة عن الرحمه والشفقة او القدره والاستیلا و علی الاخیر یحتمل الحقیقه».

۲. منتخب الاثر، ص ۶۱۲ (به نقل از دلائل الامامة).

۳. همان، ص ۶۱۳.

اگر ملاک انگیزش را تامین انواع نیازها بدانیم، طبق حدیث ۲۳ این نیازها کامل اشباع می‌شود و طبق حدیث ۹ (هرگاه که یکی از مومنان نیاز و درخواستی از حضرت داشته باشد قائم (عج) فرشته‌ای را به سراغ او می‌فرستد تا او را نزد قائم (عج) ببرد پس نیازش برطرف خواهد شد. و مجدداً به محل کار خود برگردانده خواهد شد). لذا مانعی از انگیزش وجود ندارد. واضح است که برطرف کردن نیازها جلوه‌ای تمام از عدالت و مساوات و برابری است. به عکس، ظلم، اجحاف و تبعیض در فروکاهیدن انگیزه‌های انقلابی و فداکارانه بسیار موثر است و چون امام مهدی (عج) مظهر عدل، بلکه خود عدل است، عدل مشتهر و منتظر است. او ظلم و جور فراگیر را ریشه کن می‌کند خواه ناخواه، همه به شکل اعجاب انگیزی برانگیخته می‌شوند. خداوند در قرآن چنین می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کدام از شما از دینش برگردد خداوند به زودی قومی را جایگزین آنان می‌کند که دوستشان می‌دارد و آنان نیز خدا را دوست می‌دارند. آنان در نزد مؤمنان فروتن هستند و در برابر کافران سربلند در راه خدا مجاهدت می‌کنند و از ملامت سرزنش کنندگان نمی‌هراسند. این فضل الهی است که به هر کس بخواهد عطا می‌کند.^۱

که عده‌ای از مفسران اصحاب مهدی را مصداق بارز این آیه می‌دانند. در پایان امیدواریم که ما منتظران که انقلاب کرده‌ایم و به پیروی از نائب عدل آن حضرت زمینه‌ساز ظهور او می‌خواهیم باشیم، با نهادینه کردن عدالت در آفاق و انفس، در بینش و ارزش و روش، بتوانیم زمان ظهور آن عدل مشتهر را نزدیک کنیم و اداره و مدیریت امور خود را به مهدی (عج) بسپاریم. که با عدالت تمام بهشتی قبل از بهشت برایمان تحقق بخشد.